

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پپه اسکوبار - Pepe Escobar

بر گردان از: حمید محوی

۱۰ سپتمبر ۲۰۱۷

چرا نابودی جهاد طلبان را اجازه ندهند داد

چرا اجازه ندهند داد که جهاد طلبان از بین بروند



فرضیه کار خیلی جدی، از مدتها پیش بحث و جدل بین تحلیلگران مستقل در زمینه جغرافیای سیاسی، به طور خلاصه چنین است.

داعش شاید در حال مردن باشد، ولی جسد متحرکش هنوز برای جهان دست و پا گیر است. طرح ب از دیدگاه اربابان داعش می تواند در کل اتحادیه اروپا، تخریق ایدئولوژی به امواج پی در پی جوانان گم گشته بوده باشد و آنها را به (Do It Yourself) «خودتان دست به کار شوید» واگذار کردند تا تروریسم جهاد طلب در اروپا ترس و ناامنی ایجاد کند. من اخیراً به بارسلونا رفتم ولی این چیزی نیست که در شرف وقوع است، هیچ وضعیت ترسناکی احساس نمی شود. داعش به همچنین می تواند از نام و نشان خود برای راه اندازی شعارها و فراخوانتهایی در بطن آن چیزی که می توانیم New War Belt کمربند جنگ جدید در آسیای جنوب غربی بنامیم. و این نظریه نیز فاقد اعتبار است و چیزی نیست که در شرف وقوع به نظر می رسد، زیرا «۱+۴» یعنی روسیه، سوریه، ایران، عراق + حزب الله با اضافه کردن ترکیه و سپس چین در نقش «leading from behind» یعنی رهبر در سایه، با هم کار می کنند.

جنگ ناتمام در سوریه و عراق در پیوند با جهادیسیم در اروپا مطمئناً هنوز می تواند به سرطان خطرناکی برای اورآسیا تبدیل شود، و مثل طاعون از افغانستان تا آلمان گسترش یابد و از سوی دیگر از بحیره چین جنوبی با عبور از پاکستان به بروکسل و به عکس عمل کند.

آنچه در این سناریوی انفجاری به وقوع خواهد پیوست از خط خارج شدن کامل جاده های ابریشم چین است، به بیان دیگر Belt and Road Initiative جاده ابریشم نوین، که تنظیم آن با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به هدایت روسیه است، چنین امری با سناریوهای جنگی غیر قابل کنترولی که در کنار مرزهایشان صورت می گیرد برای امنیت و ثبات همکاریهای ستراتیژیک روسیه و چین تهدید بزرگی خواهد بود.

راز مگوئی نیست که برخی عناصر و مؤسسات هرج و مرج سیاسی درون مرزی روسیه و چین را خیلی می پسندند(۱).

شارلی قوی تر می شود

دکتر زبیبگنیف «شطرنج بزرگ» برژینسکی گرچه چشم از جهان فرو بسته، ولی جسد او برای جغرافیای سیاسی هنوز دست و پا گیر است. پافشاری او در تمام طول زندگی اش این بود که هیچ یک از رقبای ایالات متحده نباید به منصفه ظهور برسند. او را تصور کنید که در حال مرگ است و کابوسی را می بیند که در شرف وقوع است: اتحاد پان اوراسیا بین روسیه و چین.

سناریو با حجم انفجاری کمتر جلب یکی از دو طرف، روسیه یا چین برای تبدیل و تشویق آنها به همکاری با امریکا ست، با این حساب که چه کسی «تهدید» کمتری در آینده خواهد داشت. برژینسکی روی روسیه به مثابه خطر فوری تمرکز کرده بود و خطر چین را به دراز مدت موکول می دانست.

بر این اساس، عادت اجباری دولت اعماق (یا دولت سایه) در امریکا و ماشین کلینتنن آغشته به نئو مکارتیسم کودکانه همه جلوه گاه های روسیه را ابلیس نمائی می کنند. نتیجه فوری این چاه سیاه در جغرافیای سیاسی به شکل اجتناب ناپذیری پیشروی هر چه سریعتر چین روی همه مرزها بود.

بی آن که فراموش کنیم که همکاری ستراتیژیک روسیه و چین هر روز پایدارتر می شود، در فلم «اینک آخرالزمان» (به انگلیسی Apocalypse Now) اثر کوپولا، سرهنگ ویلارد چیزی می گوید که موضوع ما را تداعی می کند: «هر دقیقه ای که در این اتاق می گذرانم ضعیفتر می شوم و هر دقیقه که چارلی خودش را در علفزار جمع و جور و پنهان می کند قویتر می شود».

ولی با وجود این، چارلی پنهان نشده خودش را جمع و جور نکرده، بلکه در حال تسخیر بازار و سرمایه گذاری ست. در علفزار هم نیست، بلکه در جای جای دشتهای اوراسیا به سر می برد.

دسته گل هابزی (۲)

یک مرشد امریکائی دیگر که هنوز در قید حیات و در سن ۹۴ سالگی به سر می برد هانری کیسینجر است. کیسینجر مشاور رئیس جمهور ترمپ پیش از کسب مقام ریاست جمهوری در جنوری، خود را مهمترین متخصص امور مربوط به چین می داند و پیشنهاد می کند که: باید رضایت روسیه را جلب کرد.

در نتیجه رأی نهائی صادر می شود. با شناسائی اتحاد روسیه، چین، ایران به مثابه کلید برپائی و ادغام اوراسیائی، کیسینجر نیت اصلی خود را آشکار می کند، به این معنا که ضعیفترین حلقه، یعنی ایران، باید خنثی شود.

بر این اساس، بیانییه و اخطار اخیر در مورد «امپراتوری افراتگرائی ایرانی» که از تهران تا بیروت گسترش یافته می تواند جای خالی داعش را با پارسها پر کند.

و اینجا ما با کسینجری روبه رو هستیم که باز هم یک بار دیگر به مثابه جنگجوی اصلاح ناپذیر دوران جنگ سرد به همان شکلی که پیش از این بود خود نمائی می کند، خارج شدن از کمونیسم برای وارد شدن به خمینیسم به مثابه «شر» مطلق. که پروردگار بتواند دعای ماتریس و هابیت مولد جهاد طلب و کاخ آل سعود را برآورده سازد.

راهکار پیشنهادی کسینجر شبیه رزم آهنگ برای دولت اعماق امریکاست، داعش نباید از بین برود بلکه باید به مثابه ابزار علیه ایران موضع بگیرد.

چه کسی می تواند از مفهوم «امپراتوری افراطی ایران» اظهار نگرانی کند در حالی که حتا به شوخی هم باورکردنی نیست؟ لبنان چند فرهنگی ست. در سوریه حزب بعث به حکومت ادامه خواهد داد. عراق با آیت الله سیستانی خمینیسم را مردود اعلان کرده و با نفوذ قابل توجهی که کسب کرده نظام پارلمانی را ترجیح می دهد.

«۱+۴ به پشتیبانی چین اتحاد جدی در آتش جنگ سوریه به وجود آورده. راهکار کسینجر هیچ چیزی را در این واقعیات تغییر نمی دهد. و برای آنچه به «پر کردن فضای خالی» مربوط می شود، آلترناتیو داعش و جبهه النصره از شبکه های القاعده در سوریه. «ولی صبر کنید!»، نئو لیبرال های حزب جنگ. «عالی ست!»

و همین امر کاملاً ما را به فرضیه کار اولیه نزدیک می کند. به داعش اجازه داده نخواهد شد که بمیرد، تا وقتی که باز سازی جغرافیای سیاسی آنچه دکتر زیبیگنیف برژینسکی «بالکان اورآسیائی» می نامید از مردن سر پیچی کند. دولت اسلامی خراسان که در افغانستان گردهم آمده می تواند برای به هم ریختن آسیای مرکزی و آسیای جنوبی که به راه ابریشم بسیار نزدیک است خیلی مفید واقع شود(۳).

با وجود این، مسکو و بیجینگ دقیقاً می دانند چه طرحی در شرف وقوع است. خلیفه قلابی برای در هم شکستن راه ابریشم در سوریه و عراق مفید بود، به همان گونه که میدادین در اوکراین برای تخریب اتحادیه اقتصادی اورآسیا. جبهه های دیگری برای این جنگ گشوده خواهد شد: از فیلیپین تا ونزوئلا، همه به هدف ایجاد اختلال در طرح پیوند منطقه ئی در چهارچوب اختلاف بینداز حکومت کن برای حکمفرمائی ساتراپهای امریکائی عروسکهای خیمه شب بازی زیر فشار های هابزی (مترجم: بخوانید لیبر الیسم) نامتعارف.

شانزده سال پس از ۱۱ سپتمبر، از این پس نام بازی (Global War on Terror) جنگ علیه تروریسم نیست، بلکه زیر پوشش «جنگ علیه تروریسم» اختلال در گسترش جغرافیای سیاسی کسانی ست که با رقباء یعنی روسیه و چین همکاری دارند.

[Sputnik News](#) La source originale de cet article est

© 2017 [Sputnik News](#), [Pepe Escobar](#)

لینک متن اصلی:

<http://www.mondialisation.ca/pourquoi-on-ne-permettra-pas-la-disparition-du-djihadisme/5606972>

ترجمه حمید محوی:

[سایت اسپوتنیک و سایت مرکز مطالعات جهانی سازی به من اجازه داده اند که مطالبشان را به شکل غیر حرفه ای با](#)

[قید منبع ترجمه و منتشر کنم.](#)

پاورقی مترجم:

(۱) هرج و مرج طلبی در امور داخلی روسیه چین در عین حال در مورد ایران هم می تواند کاملاً صحیح باشد

یعنی موضوعی که یک بار دیگر در خود همین متن نیز تأیید شده. در گذشته خیلی سعی کردند به نفع همین

سیاست در ایران آشوب به پا کنند، از جمله خاطرات حسین بروجردی «پشت پرده های انقلاب اسلامی» انباشته از چنین طرح هائی ست، و خود حسین بروجردی نیز در جایگاه پناهنده سیاسی در فرانسه، از فرانسه برای ایجاد بلوا به تهران می رود تا با دوستان فرانسه و اپوزیسیونهای «دموکراتیک و لائیک و رنگین کمان» رنگ و وارنگ از همه رنگ مثل حسن کله پز و حسین اسکیمو ... به چنین طرح های انقلابی جامعه عمل بپوشانند و اخیراً نیز سعی می کنند به نفع همین سیاست هرج و مرج طلب با مسائل زندانیان سیاسی و چهره سازی به بهانه دفاع از حقوق کارگران ایرانی و یا هر مشکل دیگری در سطح کشور ایران آشوب به پا کنند، و مثل دوران جنبش سبز به امید سرنگونی رژیم، جمهوری اسلامی را «قلقلک» بدهند. امپریالیستها همیشه ضد دیکتاتور و مدافع مردم و کارگران جهان سومی هستند به همین علت گاهی آنان را در گروه های ده ها هزار نفری و حتا میلیونی به قتل می رسانند و چنین حرکتی را «خسارت جانبی ضروری» برای دموکراسی و بهای آزادی می نامند. و در بهترین حالت با ایجاد فشار بین المللی به بهانه های حقوق بشری از ملت هایی مثل ملت ایران که فاقد دفاع اتومی و نیروی نظامی بازدارنده اند، باج خواهی می کنند. جای شگفتی نیست که هر بار به حق و به ناحق، به صورت خود جوش و یا طراحی شده وقتی بلوایی در ایران روی می دهد، فوراً گروه های مشخص و یا افراد شناخته شده ای را می بینیم که ناگهان دوباره پس از دوره ای سکوت و با فرصت طلبی فیلشان یاد هندوستان می کند و پرچم مدافع حقوق کارگران ایران را بدست می گیرند و با پاهای غول آسای دالر پنتاگونی اطراف و اکناف جهان را می پیمایند تا «دیکتاتور» را به نقض حقوق کارگر یا به نقض حقوق های متنوع دیگر متهم کنند: اقلیتها، بهائی ها، همجنس گرایان، عرب ها و آذربایجانی ها و بلوچ ها و خاصه حقوق زنان. و نه این که چنین مشکلاتی وجود نداشته باشد که کل جامعه ایران را در بر می گیرد، ولی موضوع ابزارسازی این مشکلات برای مداخله امپریالیستها به نفع طرح های امپریالیستی در کشورهای مستقل است که همیشه برای مردم این کشورها ویرانگر و مرگبار بوده است. و همه این مصیبتها به نام حقوق بشر، آزادی و دموکراسی، و خاصه به بهانه حق حفظ شیوه زندگی غربی.

(۲) **توماس هابز** Thomas Hobbes: زاده ۵ آوریل ۱۵۸۸ در انگلستان — درگذشته ۴ دسامبر ۱۶۷۹. یکی از فیلسوفان سیاسی برجسته انگلستان بود که بیشتر به سبب کارهایش در فلسفه سیاسی و کتاب لویاتان: Leviathan شهرت دارد. این کتاب در سال ۱۶۵۱ نوشته شده و بنیان بسیاری از نظریه های قرارداد اجتماعی را در فلسفه سیاسی به وجود آورده است. لویاتان یا لویاتان به شکل قابل ملاحظه ای روی پیدایش لیبرالیسم و تفکر اقتصادی لیبرال در قرن بیستم تأثیر گذار بود. (برگرفته از ویکیپدیا فارسی و فرانسه)

(۳) موضوعی که تحلیل من را در مقاله «افغانستان قربانی امپریالیسم» (۲ اگست ۲۰۱۷) در مورد عملیات تروریستی در هرات به اثبات می رساند.

مرکز مطالعات جهانی سازی

۱ سپتمبر ۲۰۱۷